

عربی، زبان قرآن (۲)		رشته: ریاضی فیزیک – علوم تجربی		خبرنگار	
		مدت آزمون: ۸۰ دقیقه		درس ۵	

۱	۱۱ إِتَّخِذِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: الف) تَعَلَّمْنَا دَرَسًا لَنْ نَنْسَاهُ أَبَدًا. ب) عَاهَدَ الْمُدِيرُ أَنْ يَجِلَّ مُشْكِلَتُنَا. ج) لَا تَحْدِثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ. د) عَاهَدَ الطُّلَابُ أَسَاتِذَهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبُوا. ۱) فراموش نکردیم (۲) نباید فراموش کنیم (۳) فراموش نخواهیم کرد ۱) حل کرد (۲) که حل کند (۳) حل می کند ۱) سخن نگو (۲) سخن نمی گویند (۳) سخن نگفتی ۱) دروغ نمی گویند (۲) دروغ نخواهند گفت (۳) که دروغ نگویند	۰/۵
۱/۵	۱۲ عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ حَسَبَ تَرْجَمَةِ الْفِعْلِ: الف) ۱) أَنْ تَكْرَهُوا (۲) لَنْ يَأْتِيَ (۳) كَيْ تُجِبِيَ (۴) حَتَّى تُنْفِقُوا ب) ۱) لَا تَهْرَبَانِ (۲) لَا تَعْلَمَ (۳) لِيُبْعِدَ (۴) تَغْتَرَوْنَ	۰/۵
۱/۵	۱۳ ضَعُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا: الف) هَلْ تَضْمَنُ أَصْدِقَاؤُكَ مِثْلَ إِجَابَتِكَ. (أَنْ تُجِيبَ - أَنْ يُجِيبَ - لَنْ يُجِيبَ) ب) الْخُضُورَ فِي الْإِمْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ. (لَنْ نَسْتَطِيعَ - أَنْ نَسْتَطِيعَ - لِنَسْتَطِيعَ) ج) قِيلَ الْأُسْتَاذُ لَهُمُ الْإِمْتِحَانُ لِمُدَّةِ يَوْمَيْنِ. (أَنْ يُؤَخَّرَ - لَا يُؤَخَّرَ - لَنْ يُؤَخَّرَ) د) مَنْ يَكْذِبُ (يُنَجِّحُ - لَنْ يُنَجِّحَ - لَا يُنَجِّحُ) هـ) اتَّصَلَ الطُّلَابُ بِالْأُسْتَاذِ عَنِ الْإِمْتِحَانِ. (لِيُغَيِّبُوا - كَيْ تُغَيِّبُوا - لَنْ يُغَيِّبُوا) و) جَاءَ الْمَعْلَمُ عَلَيْنَا أَوْرَاقَ الْإِمْتِحَانِ. (لَنْ يُوزَعَ - كَيْ يُوزَعَ - يُوزَعُ)	۱/۵
۱/۵	۱۴ عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: الف) فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يَفْرُبُ عَلَيْكَ الْبُعْدَ. ج) هَذِهِ قِصَّةٌ قَصِيرَةٌ تُبَيِّنُ لَكَ نَتِيجَةَ الْكِذْبِ.	۰/۵
۰/۵	۱۵ أَيُّ فِعْلٍ مِنَ الْأَفْعَالِ يُنَاسِبُ التَّوْضِيحِينَ التَّالِيَيْنِ؟ «فِعْلَانِ زَانِدَانِ» وَاجَهَ - فَشَلَ - تَبَيَّنَ - أَجَلَ الف) ظَهَرَ وَ صَارَ وَاضِحًا. ب) لَمْ يَنْجَحْ بَلْ خَسِرَ.	۰/۵
۰/۵	۱۶ أَيُّ كَلِمَةٍ مِنَ الْكَلِمَاتِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحِينَ التَّالِيَيْنِ؟ الف) هُوَ الَّذِي يَسُوقُ السَّيَّارَةَ. (الكَاذِبُ - السَّائِقُ - الصَّيْدَلِيُّ) ب) هُوَ جِهَازٌ يُسْتَخْدَمُ لِلتَّوَاصُلِ عَنْ بُعْدٍ. (السَّيَّارَةُ - الْإِطَارُ - الْهَاتِفُ)	۰/۵
۱	۱۷ عَيَّنِ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْوَاقِعِ: الف) قَدْ نَحِبُّ شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَنَا. ج) مِنْ أَخْلَاقِ الْعَاقِلِ الْحُكْمُ بِمَا يَعْلَمُ. ب) يَبْلُغُ الْكَاذِبُ هَذَفَهُ بِالْإِخْتِيَالِ دَائِمًا. د) الطَّالِبُ هُوَ الَّذِي يَدْرُسُ فِي الْجَامِعَةِ.	۱
۱	۱۸ إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: «ذَهَبَ عَدَدٌ مِنَ الطُّلَابِ فِي سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ إِلَى الْمُتَحَفِ. عِنْدَ الرُّجُوعِ أَخَذَ إِطَارَاتِ حَافِلَتِهِمْ انْفَجَرَ. فَأُخْرِجَ السَّائِقُ الْإِطَارَ الْإِخْتِيَاظِيَّ مِنَ صُنْدُوقِ الْحَافِلَةِ، وَ سَاعَدَ اثْنَانِ مِنَ الطُّلَابِ السَّائِقَ فِي وَضْعِ الْإِطَارِ الْجَدِيدِ، ثُمَّ رَكَبُوا جَمِيعًا الْحَافِلَةَ وَ عَادُوا إِلَى الْمَدْرَسَةِ.» الف) مَتَى انْفَجَرَ إِطَارُ الْحَافِلَةِ؟ ب) كَمْ طَالِبًا سَاعَدُوا السَّائِقَ؟ ج) إِلَى أَيْنَ ذَهَبَ الطُّلَابُ؟ د) عَلَى حَسَبِ النَّصِّ، أَيْنَ عَادَ الطُّلَابُ؟ (۱) الْبَيْتَ (۲) الْمَدْرَسَةَ	۱
۰/۵	۱۹ أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَيْنِ: الف) مَنْ يُعْطِي الْأَدْوِيَّةَ؟ (۱) الصَّيْدَلِيَّةُ (۲) الصَّيْدَلِيُّ ب) رَتَّبَ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ جَوَابًا مُنَاسِبًا لِلسُّؤَالِ التَّالِي: وَصْفَةٍ - لِأَنَّ - مَسْمُوحٍ - يَبْقَاهَا - يَدُونِ - غَيْرُ لِمَاذَا لَا تُعْطِينِي أَمْبِيسِيلِينَ؟	۰/۵
۲۰	«تَوْفِيقَكَ أَمْلِي»	

آزمون شماره ۵ (درس پنجم)

- و سایر گزینه‌ها معادل مضارع التزامی هستند: «آن تکرهوا: که زشت بدارید - گئی تُجَبُوا: تا دوست بدارید - حَتَّى تُتَفَقُوا: تا اتفاق کنید»
- ب) گزینه «۳» (۰/۲۵)؛ «لَيُبْعِدَنَّ» مضارع منصوب معادل مضارع التزامی «تا دور کند» است، و سایر گزینه‌ها مضارع مرفوع و معادل مضارع اخباری هستند: «لا تُهْرَبَانِ: فرار نمی‌کنید، فرار نمی‌کنند - لا تَعْلَمَنَّ: نمی‌دانی، نمی‌داند - تَغْتَرَوْنَ: فریب می‌خورید»
- ۱۳ الف) «أَنْ يُجِيبَ» (۰/۲۵)؛ چون وسط جمله و بعد از فعل دیگری آمده با حرف ربط «أَنْ» که می‌آید و به خاطر فاعل مذکر «أَصْدِقَاءُ» فعل مضارع مفرد مذکر غایب می‌آید. «آیا تضمین می‌کنی که دوستان مثل پاسخ خودت پاسخ دهند؟»
- ب) «لَنْ تَسْتَطِيعَ» (۰/۲۵)؛ چون ابتدای عبارت آمده است. «نخواهیم توانست در زمان مشخص شده در امتحان حاضر شویم.»
- ج) «أَنْ يُؤَخَّرَ» (۰/۲۵)؛ چون وسط جمله و بعد از فعل دیگری آمده با حرف ربط «أَنْ» که می‌آید. «استاد پذیرفت که امتحان را برایشان به مدت دو روز به تأخیر بیندازد.»
- د) «لَا يَنْتَجِعُ» (۰/۲۵)؛ با توجه به موقعیت و معنی جواب شرط مضارع مجزوم منفی مناسب جای خالی است. «هر کس دروغ بگوید موفق نمی‌شود.»
- ه) «لَيَغِيبُوا» (۰/۲۵)؛ چون وسط جمله و بعد از «الطُّالِبُ» آمده است. «دانش‌آموزان با استاد تماس گرفتند تا از امتحان غیبت کنند.»
- و) «كَيْ يُؤْرَعَ» (۰/۲۵)؛ چون وسط جمله و بعد از «الْمُعَلِّمُ» آمده است. «معلم آمد تا برگه‌ها را برای ما پخش کند.»
- ۱۴ الف) «السَّرَابُ: مجرور به حرف جرّ (۰/۲۵) - الَبْعِيدَ: مفعول (۰/۲۵)»
ب) «الصَّادِقُ: فاعل (۰/۲۵) - ه: مضافٌ إليه (۰/۲۵)»
ج) «هَذِهِ: مبتدا (۰/۲۵) - قَصِيرَةٌ: صفت (۰/۲۵)»

نکته

- فاعل با علامت «أَنْ، اِنْ، وَنَ» بعد از فعل معلوم می‌آید، و گاهی بعد از فاعل، مفعول با علامت «لَ، يَنْ، اِتِ، اِ» می‌آید.
 - اگر شروع جمله با اسم / ضمیر / اسم اشاره باشد خودشان مبتدا می‌شوند و بعدشان خبر به شکل اسم با علامت «أَنْ، اِنْ، وَنَ» یا جمله (فعل) یا جار و مجرور می‌آید.
 - اگر دو اسم با هم تلقّف شوند، و دومی از نظر تعداد و جنس، داشتن «أَلْ» یا «تَنْوِين» و علامت آخر شبیه اولی باشد ترکیب وصفی است و دومی صفت است و اگر دومی شبیه اولی نباشد، ترکیب اضافی است و دومی مضافٌ إليه است.
- الْكِتَابُ النَّافِعُ - مَجَلَّةٌ نَافِعَةٌ - كِتَابُ الْمُعَلِّمِ
موصوف موصوف صفت موصوف صفت مضاف مضاف إليه

- ۱۵ الف) «تَبَيَّنَ: آشکار شد (۰/۲۵)؛ «أَشْكَارُ شَد وَ هَوِيْدَا گشت.»
- ب) «فُشِلَ: شکست خورد (۰/۲۵)؛ «موفق نشد بلکه زیان دید.»
- ۱۶ الف) «السَّائِقُ: راننده (۰/۲۵)؛ «او کسی است که خودرو را می‌راند.»
- ب) «الْهَاتِفُ: تلفن (۰/۲۵)؛ «آن، دستگاهی است که برای ارتباط از دور استفاده می‌شود.»
- ۱۷ الف) درست (۰/۲۵)؛ «گاهی چیزی را دوست داریم در حالی که برای ما بد است.»
- ب) نادرست (۰/۲۵)؛ «دروغگو با فریبکاری همیشه به هدفش می‌رسد.»
- ج) درست (۰/۲۵)؛ «از اخلاق خردمند، داوری در آن چه می‌داند است.»
- د) نادرست (۰/۲۵)؛ «دانش‌آموز همان کسی است که در دانشگاه درس می‌دهد.»

۱۸

ترجمه متن: تعدادی از دانش‌آموزان در سفری علمی به موزه رفتند. هنگام بازگشت یکی از چرخ‌های اتوبوسشان ترکید. پس راننده چرخ یدکی را از صندوق اتوبوس درآورد، و دو نفر از دانش‌آموزان در بستن چرخ جدید به راننده کمک کردند، سپس همگی سوار اتوبوس شدند و به مدرسه بازگشتند.

- الف) «عِنْدَ الرَّجُوعِ» (۰/۲۵)؛ «چه‌وقت چرخ اتوبوس پنجر شد؟ هنگام بازگشت.»
- ب) «إِثْنَانِ مِنَ الطُّالِبِ» (۰/۲۵)؛ «إِثْنَانِ / طَالِبَانِ / طَالِبَانِ إِثْنَانِ» چند دانش‌آموز به راننده کمک کردند؟ دو نفر از دانش‌آموزان / دو نفر / دو دانش‌آموز.
- ج) «إِلَى الْمُتَحَفِ» (۰/۲۵)؛ «دانش‌آموزان به کجا رفتند؟ به موزه.»
- د) گزینه «۲» (۰/۲۵)؛ «براساس متن، «دانش‌آموزان به کجا بازگشتند؟» (۱) خانه (۲) مدرسه
- ۱۹ الف) گزینه «۲» (۰/۲۵)؛ چه کسی داروها را می‌دهد؟ (۱) الصَّيْدِلِيَّةُ (داروخانه) (۲) الصَّيْدِلِيُّ (داروخانه‌دار)
- ب) «لَنْ يَبْعِثَهَا بِدُونِ وَصْفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحَةٍ» (۰/۲۵). «چرا به من آمپی‌سیلین نمی‌دهی؟ زیرا فروش آن بدون نسخه ممنوع است.»

- ۱ الف) تلفنی (۰/۲۵) ب) نقشه، برنامه (۰/۲۵)
- ج) پخش شد (۰/۲۵) (فعل ماضی مجهول، مفرد مؤنث غایب) د) از دست رفت (۰/۲۵) (فعل ماضی، مفرد مذکر غایب)
- ۲ الف) «الْمُؤَافَقَةُ ≠ الْمُعَارَضَةُ» (۰/۲۵) (موافقت ≠ مخالفت) ب) «قَرَّ = هَرَبَ» (فرار کرد)
- ۳ الف) طالب: دانش‌آموز (۰/۲۵)؛ سایر اسم‌ها، به هم مرتبط هستند: «سَيَّارَةٌ: خودرو - إِطَار: چرخ یدکی - سَائِق: راننده»
- ب) کُذِّبَ: دروغ (۰/۲۵)؛ سایر کلمات هم‌معنی هستند: «كَلَام - قَوْل - مَقَال: سخن»
- ۴ الف) سِیَّارات (خودروها) (۰/۲۵) ب) وَرَق (کاغذ) (۰/۲۵)
- ۵ الف) و شاید چیزی را دوست بدارید (۰/۲۵) حال آن‌که آن برای شما بد است. (۰/۲۵) ب) می‌خواهند (۰/۲۵) که سخن خداوند را تغییر دهند. (۰/۲۵)
- ج) او کسی است که (۰/۲۵) با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد (۰/۲۵) تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد (خارج کند). (۰/۲۵)
- د) بهترین برادران (دوستان) تو کسی است که (۰/۲۵) با خوبی رفتارش (خوش‌رفتاریش) تو را به برترین کارها (۰/۲۵) فراخواند. (۰/۲۵)
- ه) من نمی‌توانم در زمان مشخص شده (۰/۲۵) در امتحان حاضر شوم. (۰/۲۵)
- و) نادان داوری می‌کند (۰/۲۵) در آن چه نمی‌داند. (۰/۲۵)
- ز) این داستانی کوتاه است که (۰/۲۵) نتیجه دروغ گفتن را برایت آشکار می‌کند. (۰/۲۵)
- ح) اگر از واقعیت فرار کنی (۰/۲۵) چندین بار ناگزیر به دروغ گفتن خواهی شد. (۰/۲۵)

نکته

- حرف «لَ» (لام ناصبه) بر سر فعل مضارع در وسط عبارت [مُتَبَع] بیاید که قبلش فعلی غیر از «قال» آمده باشد، در ترجمه «تا» بر سر مضارع التزامی می‌آید.
- اگر بعد از اسم تفضیل [مُتَبَع] «خَيْر / أَفْضَل»، مضافٌ إليه بیاید، اسم تفضیل با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود.
- اگر در جمله اسمیه بعد از نکره [مُتَبَع] «قَصَّة» جمله بعد نکره [مُتَبَع] بیاید، در ترجمه حرف ربط «که» می‌آید و فعل طبق زمان خودش ترجمه می‌شود.
- فعل شرط ماضی [مُتَبَع] «هَرَبْتُ» به صورت مضارع التزامی «فرار کنی» یا ماضی ساده «فرار کردی» ترجمه می‌شود.
- اگر جواب شرط، فعل مستقبل [مُتَبَع] «سَوْفَ تُضْطَرُّ» باشد، با فاء جواب «فَ» می‌آید.

- ۶ الف) گزینه «۱» (۰/۲۵)؛ «لَنْ تَنَالُوا» مستقبل منفی، و «حَتَّى تُتَفَقُوا» مضارع التزامی است.
- ب) گزینه «۲» (۰/۲۵)؛ «أَنْ يُحَلَّ» مضارع التزامی مجهول، و «مُشْكِلٌ» نایب فاعل آن است.
- ۷ الف) اتفاق کنید (أَتَفَقُوا: امر، جمع مذکر مخاطب) (۰/۲۵) [که] بیاید، فرابرسد (أَنْ يَأْتِيَ: مضارع التزامی، مفرد مذکر غایب) (۰/۲۵) - دوستی ای (حَلَّة: اسم نکره) (۰/۲۵) ب) موافقت کرد (وَافَقَ) (۰/۲۵) - به تأخیر بیندازد (أَنْ يُؤَجَّلَ) (۰/۲۵) - شاد شدند (فَرِحَ) (۰/۲۵)
- ۸ ۱) فرا می‌خواند (يَذْهَبُ: مضارع اخباری، صیغه مفرد مذکر غایب) ۲) حاضر شدند (حَضَرُوا: ماضی، جمع مذکر غایب)
- ۳) ناچار می‌شوی (تُضْطَرُّ: مضارع مجهول، مفرد مذکر مخاطب)
- ۴) پوزش می‌خواستند (۰/۲۵) (كَانُوا يَعْتَبِرُونَ: ماضی استمراری، صیغه جمع مذکر غایب)
- ۹ الف) ماضی: تَعَلَّمَ (۰/۲۵)؛ (یاد گرفت) ب) مضارع: تَتَقَلَّلُ (۰/۲۵)؛ (منتقل می‌کند) ج) امر: عَاهِذْ (۰/۲۵)؛ (پیمان ببند) د) نهی: لا تَفْشَلْ (۰/۲۵)؛ (شکست نخور)
- ۱۰ الف) ۱- تا نبینیم (۰/۲۵) (لِکِّي + مضارع = تا + مضارع التزامی، صیغه متکلم وحده) ۲- تا نبینند (۰/۲۵) (لَ + مضارع = تا، برای این‌که + مضارع التزامی، صیغه جمع مذکر غایب)
- ب) ۱- شاد نخواهیم شد (۰/۲۵) (لَنْ + مضارع = مستقبل منفی، متکلم مع الغیر) ۲- تا شاد شوند (۰/۲۵) (حَتَّى + مضارع = تا + مضارع التزامی، جمع مذکر غایب)
- ۱۱ الف) گزینه «۳» (۰/۲۵)؛ لَنْ + فعل مضارع = مستقبل منفی
- ب) گزینه «۲» (۰/۲۵)؛ أَنْ + فعل مضارع = که + مضارع التزامی
- ج) گزینه «۱» (۰/۲۵)؛ لا اِیْ نهی + فعل مضارع مخاطب = نهی (امر منفی)
- د) گزینه «۳» (۰/۲۵)؛ أَنْ + لا + فعل مضارع = که + مضارع التزامی منفی
- ۱۲ الف) گزینه «۲» (۰/۲۵)؛ «لَنْ يَأْتِيَ» معادل مستقبل منفی «نخواهد آمد» است،